

آینه

کیم‌ان

فقط به یک نمونه اشاره کنید!

● حسین شریعتمداری: ... کمترین تردیدی باقی نمانده است که دولت در توافق هسته‌ای نته‌تا به دستاوردی نرسیده بلکه خسارت فراوان و در مواردی غیرقابل جبران نیز به ملت و نظام وارد کرده است ولی با وجود این همه شواهد و مستندات غیرقابل تردید که از «خسارت محض» برجام حکایت می‌کند، هنوز هم دولتمردان اصرار دارند همان راه نه‌فقط بی‌فرجام بلکه «بدفرجام» را دنبال کنند و از آنجا که در چته برجام تقریبا هیچ دستاورد قابل ارائه‌ای وجود ندارد، به تغییر صورت‌مسئله روی آورده‌اند، مثلا ادعا می‌کنند که برجام سایه شوم جنگ را از سر ملت دور کرده است! و توضیح نمی‌دهند که اگر منظورشان از خطر جنگ، ادعای آمریکایی‌هاست که گزینه نظامی را روی میز می‌دانستند، مگر امروز همان ادعا را تکرار نمی‌کنند؟! ... و بالاخره اگرچه دراین‌باره گفتنی‌های دیگری نیست هیت ولی از آن میان به طرح یک پرسش اساسی بسنده می‌کنیم و آن، این که، آیا همه ناکامی‌ها و خسارت‌های محض پادیده را فقط باید به حساب خطای دست‌اندرکاران نوشت؟ و آیا تیم هسته‌ای کشورمان که در سلامت اعضای اصلی آن کمترین تردیدی نیست نباید نفوذ احتمالی غریبه‌ها را جدی بگیرند؟! و از راه بی نتیجه و خسارت‌آفرینی که طی سه سال و چندماه گذشته پیموده‌اند، بازگردند؟ مخصوصا آنکه نمونه‌هایی از این نفوذ برلا شده است و احتمال حضور برخی دیگر از بداندیشان در سایه‌روشن‌های مسیر دور از انتظار نیست!

اعتراض

رهبران سیاسی بازتولید می‌شوند

● صادق زیباکلام:... نبود آقای هاشمی با ممنوع‌الفعالیّت‌ی‌بودن رئیس دولت اصلاحات، اهمیت چندانی در طی طریق مردم در راه اصلاحات ندارد. امروز خواسته مردمی به صورت یک جریان درآمده است و دیگر به هیچ طریقی نمی‌شود آن را محدود کرد. حتی اگر تمام کسانی که در جامعه به عنوان اصلاح‌طلب شناخته می‌شوند فعالیت سیاسی را کنار بگذارند، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. این جریانِی که شکل گرفته نسل بعدیِ رهبران اصلاح‌طلب را نیز بازتولید می‌کند. خیلی از افرادی که الان در دهه چهارم یا سوم زندگی‌شان هستند و نسل‌های دهه ۶۰ و ۷۰ می‌توانند به رهبران و موتورهای جلوبرنده جریان اصلاحات تبدیل شوند. اصلاحات یک خواسته بنیادی در بین قشر قابل‌توجهی از لایه‌های اجتماعی ایران است.

روزنامه‌ها

● محمد بابایی: ... اما ظاهرا بعضی‌ها قدر این نعمت را نمی‌دانند، عده‌ای از سر عناد نمی‌خواهند واقعیت‌ها را ببینند و عده‌ای هم از سر گرفتاری‌ها و مشکلات فرصت فکرکردن ندارند. درباره گروه اول وضعیت مشخص است. برای آنها هر کاری انجام بدید آنها کارآمدی ما را قبول نخواهند کرد اما دسته دوم حق دارند. به همان اندازه که کسی نمی‌تواند انکار کند که در دستیابی به امنیت، حاکمیت و استقلال ملی موفق بوده‌ایم، کسی نیز نمی‌تواند منکر این شود که در بعضی حوزه‌ها به‌ویژه در بحث «عدالت اقتصادی» با شکست مواجه شده‌ایم. فساد حقوق‌های نجومی، فساد بانکی، رانت‌خواری و بی‌کاری مواردی هستند که کسی نمی‌تواند به‌راحتی از آنها عبور کند. برای اینکه بدانیم چه شد که در حوزه‌های امنیتی و استقلال ملی موفق شدیم اما در زمینه‌های دیگر با شکست مواجه شده‌ایم باید تحقیقات و بررسی‌های زیادی صورت دهیم تا ریشه‌های مشکل را پیدا کنیم. اما دلایل موفقیت‌ها و شکست‌هایمان هرچه باشد یک چیز از هم‌اکنون کاملا مشخص است و آن اینکه ما کار سخت را انجام داده‌ایم. پس می‌توانیم کارهای آسان نیز انجام دهیم. کافی است خودمان را باور داشته باشیم و امنیت بی‌ظنیر خود را برای توسعه و پیشرفت کشور مبنا قرار دهیم و قدر آن را بدانیم و «بی‌انگیزگی، ناامیدی، بی‌حالی، بی‌نشاطی، تبلی» را کنار بگذاریم.

نظرات

هیچ منتقدی نباشد

● مسعود علومی: ...آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد در پسابرجام ارزش پول ملی کاهش یافته، ۳۰ درصد ثروت مردم آسیب دیده، پول‌های بلوکه‌شده ما آزاد نشده، اجازه جابه‌جایی یک دلار و یک پیورو را هم نداریم، حتی حقوق کارمندان سفارتخانه‌های خود در اروپا را نمی‌توانیم از شبکه بانکی بدهیم، هیچ مردم نشانی از کاهش تورم تک‌رقمی ندار، رکود و بیکاری به عنوان دوزخِم بر پیکره اقتصاد روزه‌به‌روز عمیق‌تر می‌شود. آن وقت وسط این معرکه یک هوپوایم ایراس در مهرآباد می‌نشیند و برای تشریف‌فرمایی آن جشن می‌گیریم و زن و بکوب راه می‌اندازیم! آیا این معقول است که آن را جز، عمل به وعده‌های طرف مقابل، معرفی کنیم؟! مگر قرار نبود در همان روز امضای برجام همه تحریم‌ها یکجا برداشته شود؟ پس این بساطی که امروز دشمن راه انداخته و به آن افتخار می‌کند و بر طبل تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای می‌کوبد، چیست؟ دولت باید پاسخ‌گو باشد. پاسخ‌گویی بدون طرح پرسش‌های واقعی، چیزی را روشن نمی‌کند.

مصطفی ایزدی: اکبر هاشمی‌رفسنجانی رخت سفر بربست و به لقاءالله پیوست. پیرامون سرگذشت و سرنوشت او خیلی‌ها گفته‌اند و نوشته‌اند. بسیار بعید است فصل اظهارنظر درباره وی، با یک سال و دو سال و ۱۰ سال و ۲۰ سال پایان یابد. این شیخ اکبر تیزهوش، پرحوصله، مبارز و مصمم، کسی نبود که دوست و دشمن از وصف او بگذرد. روزها و سال‌ها خواهد گذشت اما کنشگران سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، امنیتی، دیپلماسی، نظامی و دیگر بخش‌های اجرایی و مدیریتی کشور، نمی‌توانند یاد و نام او را از زبان و قلم خود ببندازند. هاشمی‌رفسنجانی، با سه نسل از وابستگان به انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن، سرکود داشت و نسل چهارم، بدون اینکه رابطه‌ای کاری با او داشته باشند، به‌وفور تصویر او را دیده و نام وی را شنیده است. این نسل

هم به مرور کنجکاو خواهد شد و خواهد پرسید: این مرد کارگزار، معتدل، منتقد و مقاوم چه کسی است که حتی به چشم و گوش نوجوانان، بسیار آشناست. از اکبر هاشمی‌رفسنجانی- آیت‌الله آگاه‌تر از بسیاری از هم‌سن‌وسال‌های خود- افزون‌تر از آنچه در این یک هفته گفته‌اند و نوشته‌اند، می‌توان سخن گفت. او سیاست‌مداری به‌تمام‌معنا (با تعریف امروزی از سیاست‌مدار) بود. به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد که اگر مخالفان سنجگی به سمت او پرتاب می‌کردند، بدون اینکه به پیشانی‌اش برخورد کند، به سمت سنگ‌انداز بازمی‌گشت. او حوزوی‌ای بااستعداد و پیکار بود که اگر در زندان هم بود، تفسیری بر قرآن به نام تفسیر راهنما در مجلدات زیاد داشت. او مدیری توانمند بود که اگر می‌گذاشتند، بهتر از گذشته، کشور و انقلاب را به درجه‌ای از بالندگی اقتصادی می‌رساند تا از تولید فقیر- به هر شکلی- جلوگیری کرده و اقتصاد بیمار ایران را درمان و به شکلی آبرومند، به سامان درمی‌آورد؛ چراکه او فرد توانمندی بود و در همه بخش‌های اقتصادی کشور اعم از صنعت، معدن، کشاورزی، تجارت و خدمات، به میراثی که یک رئیس‌جمهور فهیمه باید بداند، آگاهی داشت.

درباره این آیت‌الله سیاست‌مدار و این دولتمرد پراواره، نکاتی چند را یادآوری می‌کنم:

۱- هاشمی، همانند سایر چهره‌های سیاسی و مذهبی که در کشور مسئولیت‌های سطح بالا داشته و دارند، یک زندگی پرفرازونشیب برخوردار داشته که خلاصه‌وار می‌توان گفت: وی به سال ۱۳۱۳ خورشیدی در بهرمان از بخش نوق شهرستان رفسنجان، در خانواده‌ای به‌نسبت متمول چشم بر جهان گشود. وی از کودکی در زادگاه خود به تحصیل علوم حوزوی و اسلامی پرداخت. در جوانی به قم آمد و تحصیل در حوزوهِ علمیه این شهر ادامه داد. ۳۰ساله بود که نهضت امام خمینی آغاز شد. چون زاده کویر بود، سری پرشور و ناسازگار داشت؛ بنابراین بدون دلبهر، عاقبت‌اندیشی و عافیت‌طلبی، به نهضت نوبا پیوست. در ۱۵ سال مبارزات اسلامی، هم رنج زندان، شکنجه، جنگ و گریز با ساواک را تحمل کرد و هم از امکانات مالی خود بهره گرفت و به سیروسیاحت در اقصی نقاط کُیتی پرداخت. در این فاصله، یعنی از آغاز مبارزات تا پیروزی انقلاب اسلامی، به تبلیغ و ترویج آموزه‌های اسلام انقلابی و نیز فعالیت‌های اقتصادی دست می‌زد. جمعا هفت بار به زندان افتاد. با سایر گروه‌های مبارز، مانند سازمان مجاهدین خلق هم همکاری می‌کرد. روزهای سخت قیام با ایستگاه آخر رسیده بود که از طرف رهبری انقلاب، آیت‌الله العظمی خمینی، به عضویت شورای انقلاب درآمد. هنوز جمهوری اسلامی شکل نگرفته بود که ساماندهی بعضی از امور انقلاب، ازجمله در رابطه با اعتصابات شرکت نفت، به عهده‌اش گذاشته شد. سابقه مبارزاتی به اضافه قدرت مدیریت و تیزهوشی هاشمی‌رفسنجانی، به مرور در همان آغاز پیروزی انقلاب از وی چهره‌ای به نمایش گذاشت که او را سرآمد سیاست‌مداران و مدیران اجرایی معرفی می‌کرد. به همین دلیل از ابتدا به‌مهم‌ترین ارگان‌های نظام اسلامی وارد شد و در رأس تعدادی از این ارگان‌ها قرار گرفت. هاشمی از سال ۱۳۸۹، به جز ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام که هفته‌ای یک بار تشکیل می‌شد، مسئولیت خاص دیگری نداشت؛ اما در هفت سال آخر عمرش، در دیدارهای تقریبا هرروزه با بخش‌های گوناگون جامعه، از خود تصویری عرضه کرد که نشان می‌داد مردی بسیار کارآزموده، همه‌جانبه‌نگر و آرامش‌بخش است.

آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی، عصر روز یکشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۵، به دلیل ایست قلبی، چشم از جهان بربست و دو روز بعد با بدرقه بیش از سه میلیون نفر از مردم تهران، در کنار مقبره بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به خاک سپرده شد.
۲- اکبر هاشمی‌رفسنجانی، تنها سیاست‌مداری

بود که مسئولیت‌های مهم و متنوعی را در تعدادی از اصلی‌ترین ارگان‌های حاکمیت ایران پس از انقلاب تجربه کرد. به جز آیت‌الله خامنه‌ای که در دوران مسئولیت‌پذیری‌اش دو رکن مهم کشور و انقلاب، یعنی ریاست‌جمهوری و رهبری را در دست داشت و دارد، کس دیگری را - غیر از هاشمی‌رفسنجانی- سراغ نداریم که به مسئولیت بیش از یک ارگان طرازاول رسیده باشد؛ اما این هاشمی‌رفسنجانی بود که چندین مسئولیت درجه‌اول در اختیار داشت. به این فهرست نگاه کنید:

عضویت شورای انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) تا ۱۳۵۹)، سرپرستی وزارت کشور (۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸)، ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶)، ریاست مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰)، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵)، امام جمعه موقت تهران (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸)، نماینده امام در شورای عالی دفاع (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷)، جانشین و فرماندهی کل قوا (۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸)، بنیان‌گذار و رئیس هیئت مؤسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۶۱ تا ۱۳۹۵).

با داشتن چهار مقام: ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و بالاخره فرماندهی عالی جنگ در دوران دفاع مقدس، هاشمی‌رفسنجانی را باعث و بانی بسیاری از موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی در ۳۵ سال گذشته ایران می‌دانند؛ در همین‌دلیل کسانی که بعد از درگذشت او، اظهارنظر کرده‌اند، بر این نکته اتفاق نظر داشته‌اند

که هاشمی‌رفسنجانی، یکی از تاثیرگذارترین شخصیت‌های سیاسی بعد از امام خمینی در ایران بوده است.

جز این، برخورداری از چنان مسئولیت‌های سنگین و گرفتاری‌های ناشی از آن، هر لحظه ممکن است فرد مسئول را از پای درآورد؛ اما دیدیم و دیدند که او هیچ‌گاه احساس خستگی نکرد و اگر هم در مقاطعی خسته شده بود، خستگی خود را به رخ مردم

نکشید؛ بلکه به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد که همچنان پرتوان و نیرومند است. تصمیم برای شرکت مجدد در انتخابات سال ۹۲، زمانی که سن او ۸۰ سال مالی خود بهره گرفت و به سیروسیاحت در اقصی نقاط کُیتی پرداخت. در این فاصله، یعنی از آغاز مبارزات تا پیروزی انقلاب اسلامی، به تبلیغ و ترویج آموزه‌های اسلام انقلابی و نیز فعالیت‌های اقتصادی دست می‌زد. جمعا هفت بار به زندان افتاد. با سایر گروه‌های مبارز، مانند سازمان مجاهدین خلق هم همکاری می‌کرد. روزهای سخت قیام با ایستگاه آخر رسیده بود که از طرف رهبری انقلاب، آیت‌الله العظمی خمینی، به عضویت شورای انقلاب درآمد. هنوز جمهوری اسلامی شکل نگرفته بود که ساماندهی بعضی از امور انقلاب، ازجمله در رابطه با اعتصابات شرکت نفت، به عهده‌اش گذاشته شد. سابقه مبارزاتی به اضافه قدرت مدیریت و تیزهوشی هاشمی‌رفسنجانی، به مرور در همان آغاز پیروزی انقلاب از وی چهره‌ای به نمایش گذاشت که او را سرآمد سیاست‌مداران و مدیران اجرایی معرفی می‌کرد. به همین دلیل از ابتدا به‌مهم‌ترین ارگان‌های نظام اسلامی وارد شد و در رأس تعدادی از این ارگان‌ها قرار گرفت. هاشمی از سال ۱۳۸۹، به جز ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام که هفته‌ای یک بار تشکیل می‌شد، مسئولیت خاص دیگری نداشت؛ اما در هفت سال آخر عمرش، در دیدارهای تقریبا هرروزه با بخش‌های گوناگون جامعه، از خود تصویری عرضه کرد که نشان می‌داد مردی بسیار کارآزموده، همه‌جانبه‌نگر و آرامش‌بخش است.

۳- اکبر هاشمی، پیش از آنکه یک سیاست‌مدار و دولتمرد باشد، یک عالم دینی و دانش‌اندوخته حوزه علمیه قد بود. از این موضع به مبارزه کشیده شد و نتیجه مبارزه او و دیگر روحانیون و دانشگاهیان و به‌مرور همه مردم ایران، تشکیل حکومتی بود به نام جمهوری اسلامی که هاشمی‌رفسنجانی از کارگزاران و سیاست‌مداران درجه‌اول آن به حساب می‌آمد؛ اما اگر پیروی آیت‌الله خمینی را انتخاب نمی‌کرد و همانند بسیاری از علما و فضلاء حوزه قم و دیگر حوزه‌های مشهد و اصفهان و تبریز و اهواز و کرمان و... کنج عافیت برمی‌گزید و فقط درس می‌خواند و منبر می‌رفت و شاکرد پرورش می‌داد و امام‌جماعت می‌شد و در سن ۶۰، ۷۰سالگی، رساله عملیه منتشر می‌کرد، به دلیل استعداد و پشتکار بالایی که داشت، امروزه چه‌ساکه یک سرکردن از اعظم حوزه قم، بزرگ‌تر بود. در حالی که چنان نکرد و چنین نشد؛ اما مانند یک عالم دینی، فرصت‌ها را غنیمت شمرد و تفسیر قرآن نوشت و زندگی ائمه اطهار را تدوین

سیاست

هاشمی‌رفسنجانی

مردی که خستگی را به رخ نمی‌کشید



کرد و پشت هر تریبونی، آموزه‌های اسلامی را به مخاطبان خود و نیز به افکار عمومی منتقل می‌کرد. تجربه کرد. به جز آیت‌الله خامنه‌ای که در دوران مسئولیت‌پذیری‌اش دو رکن مهم کشور و انقلاب، یعنی ریاست‌جمهوری و رهبری را در دست داشت و دارد، کس دیگری را - غیر از هاشمی‌رفسنجانی- سراغ نداریم که به مسئولیت بیش از یک ارگان طرازاول رسیده باشد؛ اما این هاشمی‌رفسنجانی بود که چندین مسئولیت درجه‌اول در اختیار داشت. به این فهرست نگاه کنید:

عضویت شورای انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) تا ۱۳۵۹)، سرپرستی وزارت کشور (۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸)، ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶)، ریاست مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰)، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵)، امام جمعه موقت تهران (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸)، نماینده امام در شورای عالی دفاع (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷)، جانشین و فرماندهی کل قوا (۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸)، بنیان‌گذار و رئیس هیئت مؤسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۶۱ تا ۱۳۹۵).

با داشتن چهار مقام: ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و بالاخره فرماندهی عالی جنگ در دوران دفاع مقدس، هاشمی‌رفسنجانی را باعث و بانی بسیاری از موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی در ۳۵ سال گذشته ایران می‌دانند؛ در همین‌دلیل کسانی که بعد از درگذشت او، اظهارنظر کرده‌اند، بر این نکته اتفاق نظر داشته‌اند

که هاشمی‌رفسنجانی، یکی از تاثیرگذارترین شخصیت‌های سیاسی بعد از امام خمینی در ایران بوده است.

جز این، برخورداری از چنان مسئولیت‌های سنگین و گرفتاری‌های ناشی از آن، هر لحظه ممکن است فرد مسئول را از پای درآورد؛ اما دیدیم و دیدند که او هیچ‌گاه احساس خستگی نکرد و اگر هم در مقاطعی خسته شده بود، خستگی خود را به رخ مردم

نکشید؛ بلکه به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد که همچنان پرتوان و نیرومند است. تصمیم برای شرکت مجدد در انتخابات سال ۹۲، زمانی که سن او ۸۰ سال مالی خود بهره گرفت و به سیروسیاحت در اقصی نقاط کُیتی پرداخت. در این فاصله، یعنی از آغاز مبارزات تا پیروزی انقلاب اسلامی، به تبلیغ و ترویج آموزه‌های اسلام انقلابی و نیز فعالیت‌های اقتصادی دست می‌زد. جمعا هفت بار به زندان افتاد. با سایر گروه‌های مبارز، مانند سازمان مجاهدین خلق هم همکاری می‌کرد. روزهای سخت قیام با ایستگاه آخر رسیده بود که از طرف رهبری انقلاب، آیت‌الله العظمی خمینی، به عضویت شورای انقلاب درآمد. هنوز جمهوری اسلامی شکل نگرفته بود که ساماندهی بعضی از امور انقلاب، ازجمله در رابطه با اعتصابات شرکت نفت، به عهده‌اش گذاشته شد. سابقه مبارزاتی به اضافه قدرت مدیریت و تیزهوشی هاشمی‌رفسنجانی، به مرور در همان آغاز پیروزی انقلاب از وی چهره‌ای به نمایش گذاشت که او را سرآمد سیاست‌مداران و مدیران اجرایی معرفی می‌کرد. به همین دلیل از ابتدا به‌مهم‌ترین ارگان‌های نظام اسلامی وارد شد و در رأس تعدادی از این ارگان‌ها قرار گرفت. هاشمی از سال ۱۳۸۹، به جز ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام که هفته‌ای یک بار تشکیل می‌شد، مسئولیت خاص دیگری نداشت؛ اما در هفت سال آخر عمرش، در دیدارهای تقریبا هرروزه با بخش‌های گوناگون جامعه، از خود تصویری عرضه کرد که نشان می‌داد مردی بسیار کارآزموده، همه‌جانبه‌نگر و آرامش‌بخش است.

۳- اکبر هاشمی، پیش از آنکه یک سیاست‌مدار و دولتمرد باشد، یک عالم دینی و دانش‌اندوخته حوزه علمیه قد بود. از این موضع به مبارزه کشیده شد و نتیجه مبارزه او و دیگر روحانیون و دانشگاهیان و به‌مرور همه مردم ایران، تشکیل حکومتی بود به نام جمهوری اسلامی که هاشمی‌رفسنجانی از کارگزاران و سیاست‌مداران درجه‌اول آن به حساب می‌آمد؛ اما اگر پیروی آیت‌الله خمینی را انتخاب نمی‌کرد و همانند بسیاری از علما و فضلاء حوزه قم و دیگر حوزه‌های مشهد و اصفهان و تبریز و اهواز و کرمان و... کنج عافیت برمی‌گزید و فقط درس می‌خواند و منبر می‌رفت و شاکرد پرورش می‌داد و امام‌جماعت می‌شد و در سن ۶۰، ۷۰سالگی، رساله عملیه منتشر می‌کرد، به دلیل استعداد و پشتکار بالایی که داشت، امروزه چه‌ساکه یک سرکردن از اعظم حوزه قم، بزرگ‌تر بود. در حالی که چنان نکرد و چنین نشد؛ اما مانند یک عالم دینی، فرصت‌ها را غنیمت شمرد و تفسیر قرآن نوشت و زندگی ائمه اطهار را تدوین

مشهور نبود. در آن موقع، جناح خط امام که بعدها به اصلاح‌طلبان معروف شدند، با ایشان به مخالفت برخاستند و عملکرد و نقطه‌نظرات او را زیر سؤال بردند. این مخالفت، به‌خصوص در هشت سالی که او سکان قوه مجریه را بر عهده داشت، بیشتر بود. البته هاشمی‌رفسنجانی هم در کابینه دو دوره ریاست‌جمهوری خود، کمتر از مذهبی‌های جناح چپ استفاده می‌کرد. به‌خصوص در دور دوم ریاست‌جمهوری خود، چند چهره مشهور خط امامی را که در دولت اولش داشت، حذف کرد و به جای آنها از چهره‌های کاملاً راست، استفاده کرد: علی‌محمد بشارتی به جای عبدالله نورری در وزارت کشور، ابتدا علی لاریجانی و سپس مصطفی میرسلیم به جای محمد خاتمی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و هاشمی‌کلیایگانی به جای مصطفی معین در وزارت فرهنگ و آموزش عالی مشغول به کار شدند.

هرچند در اواخر دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش، عده‌ای از وزرای او، به جناح اصلاح‌طلب تمایل پیدا کرده و تشکلی به نام «کارگزاران سازندگی» را پایه‌ریزی کردند. به واسطه رویکرد برخی وزرای او در آن دوره روشنفکران در تنگنا قرار گرفتند و نیروهای کارآمد بازگشته از میدان‌های دفاع مقدس با مشکلاتی روبه‌رو شدند. این شرایط البته زمینه حماسه دوم خرداد ۷۶ را فراهم کرد که در پس آن گشایش‌هایی برای جامعه ایران پیدا شد و تحولی شگفت‌آور در حوزه فرهنگ و سیاست، رخ داد. پس از دوم خرداد، مطبوعات تا حدودی افزایش یافته و آزاد شدند.

از اینجا بود که برخی اهالی قلم و روشنفکران، به افشاحاشمی‌رفسنجانی و دولت او شدت بخشیدند؛ به خصوص که هاشمی قصد کرده بود، بعد از قوه مجریه، مجدداً به قوه مقننه بازگردد؛ بنابراین کاندیدای نمایندگی مجلس ششم شد. برخی رفتارهای سیاسی او در دولت‌های پنجم و ششم و تلاش گسترده رسانه‌های متعلق به اصلاح‌طلبان، اولین شکست را در زندگی سیاسی هاشمی‌رفسنجانی رقم زد. البته رای لازم برای ورود به مجلس را به دست آورد، اما در قبال رقبای خود عقب‌نشینی کرد و به مجلس ششم نرفت. این رویداد نشان داد مخالفان و منتقدان او، افرادی نقش‌آفرین و جدی هستند. هشت سال در عصر اصلاحات به این شکل سپری شد. موسم

انتخابات ریاست‌جمهوری نهم فرارسید. رئیس‌جمهور عصر سازندگی که به سردار سازندگی شهرت یافته بود، دوباره قصد بازگشت به قوه مجریه را، اما این بار هم به دلایلی چند، از رفتن به کاخ ریاست‌جمهوری بازماند. یکی از این دلایل استقبال‌نکردن جناح اصولگرا و دل‌خوش‌نبودن جناح اصلاح‌طلب از ایشان بود. رقیب هاشمی‌رفسنجانی در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، محمود احمدی‌نژاد بود که جناح راست، آسمان‌ورسمان را به هم دوخت تا فردی با مشخصات مغایر با هاشمی‌رفسنجانی، به مدیریت قوه مجریه برسد و در نهایت چنین شد. ج: هاشمی‌رفسنجانی، در جریان انتخابات خرداد ۸۸ که حوادثی را در پی داشت، به سمت اصلاح‌طلبان تمایل نشان داد. از آن پس تا پایان عمر که هفت سال به درازا کشید، به عنوان یک سیاست‌مدار معتدل و طرفدار صلح و آشتی ملی ظاهر شد و با ترتیب‌دادن دیدارهای تقریبا هر روزه، نقطه‌نظرات خود را بیان می‌کرد. اینم، از همه، منتقدان افراطی و تندخوی او را به میدان رسانه‌ها کشاند و هر لحظه از هر بدگویی و اتهام و افترا علیه هاشمی و خانواده‌اش دریغ نمی‌کرد و او با خونسردی تمام و با آرامش مثال‌زدنی، در مقابل همه‌های گیشه‌از علیه خود، مقاومت نشان می‌داد. در این بین از هفت سال، همه رسانه‌های در اختیار جناح راست و نیز سایت‌های فراوان داخلی و خارجی، هرچه در توان داشتند برای مخالفت و دشمنی با رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت به کار گرفتند، اما سودی نبرند.

خلاصه اینکه مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، مخالفان و منتقدان سرخست و بدخیمی‌های گوناگون او را می‌کوبیدند، اما او در مقابل آنها حرکتی نمی‌کرد. به همین دلیل است که آیت‌الله ابراهیم امینی، در پیام تسلیش، **مرحوم آیت‌الله هاشمی را مظلوم‌تر از شهید بهشتی معرفی کرد**

هرکسی که می‌اندیشد و کار می‌کند، مخالف و منتقد دارد؛ اما هاشمی‌رفسنجانی طیف وسیعی از منتقدان و مخالفانی دارد که در هسته‌ای از آنها، دلایلی موجه یا غیرموجه برای مخالفت خود با او دارند. بد نیست به این‌گونه افراد و گروه‌ها اشاره‌ای داشته باشیم. الف: دسته‌ای از مخالفان مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که اتفاقاً در این چندروزه از طریق رسانه‌های خارجی، مخالفت دیرینه خود را بازگو کرده، مخالفان اساس جمهوری اسلامی ایران هستند. برای این‌گونه افراد تفاوتی ندارد که هاشمی‌رفسنجانی خدمت کرده است یا خیانت! چون در سرنگونی شاه بی‌نقش نبوده و چون در تأسیس جمهوری اسلامی مشارکت داشته و چون تئوری ولایت فقیه را پسندیده، با او مخالفت سرسختانه دارند. شنیده شده که اینم مخالفان معاند، آغاز جنگ تحمیلی و ادامه آن را به او نسبت داده‌اند. حتی بسیاری از اقدامات قوه قضائیه را کار وی معرفی می‌کنند؛ درصورتی‌که می‌دانیم مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، هرگز هیچ مسئولیتی قضائی نداشتند است. روشن است که این مخالفان، به گروه سلطنت‌طلبان و گروه‌هایی که علیه انقلاب قیام مسلحانه کرده‌اند، وابسته‌اند یا از ابتدای پیروزی انقلاب، کینه‌ای از او در دل دارند. مجموع این افراد، با همه رفتارها و گفتارها و عملکردهای هاشمی‌رفسنجانی مخالف بوده و هستند.

ب: گروهی از مخالفان و منتقدان هاشمی‌رفسنجانی، درون جمهوری اسلامی هستند که به دلیل منش سیاسی آن مرحوم، با او مسئله داشته و دارند. هاشمی‌رفسنجانی، اگرچه از جناح چپ حزب جمهوری اسلامی بود، اما در دو دهه اول بعد از پیروزی، در جناح محافظه‌کار یا اصولگرا تعریف می‌شود. البته هیچ‌گاه به تندروی در جناح متعلقه،

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹سال پیش در چنین روزی

کیم‌ان

- احمدی‌نژاد: وظیفه دستگاه‌های اجرایی کمک به حرکت مردم در این ایام محرم است، نه مانع‌تراشی
- دبیر اجرایی جبهه متحد اصولگرایان: آمریکا همواره به نام حمایت از دموکراسی و آزادی فاجعه آفریده است
- با وجود اختلافات عمیق دیپلمات‌ها: نشست ۵+۱ درباره ایران هفته آینده برگزار می‌شود
- آقای، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران اعلام کرد: محمدرضا عارف سرلیست قطعی ائتلاف اصلاح‌طلبان
- دولت با هدف صرفه‌جویی در مصرف تصویب کرد: دستگاه‌های اجرایی انرژی را به قیمت تمام‌شده دریافت می‌کنند
- حدادعادل: آمریکا با اصل انقلاب اسلامی مشکل دارد

اعتراض

- وزیر اطلاعات: با غرض‌ورزان انتخاباتی برخورد می‌کنیم
- پاسخ مهدی کلهر، مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور به مقاله علی مطهری: می‌گویند عدالت توزیع فقر است
- مظاهری خبر داد: لیست سه‌زارنفری مدیران اقتصادی ممنوع‌الخروج
- در گردهمایی سران احزاب اصلاح‌طلب کشور مطرح شد: تفکر باندی نقطه مقابل حزب‌گرایی
- در کنفرانس مشترک رؤسای جمهور مصر و ترکیه پیشنهاد شد: تلاش برای یافتن راه‌حل صلح‌آمیز پیونده هسته‌ای ایران
- بوش: راه‌حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دهم
- سفیر انگلیس در آمریکا خواستار تشدید فشارهای اقتصادی به ایران برای متقاعدکردن تهران به همکاری درزمینه برنامه هسته‌ای شد

ایران

- احمدی‌نژاد: سفر بوش تأثیری در اتحاد و منطقه نخواهد داشت
- رئیس قوه قضائیه پیشنهاد عقو برای ۲۴ پرونده را صادر کرد
- در گفت‌وگوی تلفنی احمدی‌نژاد و نخست‌وزیر فلسطین تصریح شد: ملت فلسطین به پیروزی دست خواهد یافت
- وزیر خارجه کویت: حضور در اجلاس دوحه نشان‌دهنده صداقت ایران در تحکیم روابط با همسایگان است
- وزیر نفت: ترکمنستان گاز را وصل کند تا با آنان مذاکره کنیم
- نماینده دائم ایران در آژانس انرژی اتمی: روند همکاری بین ایران و آژانس سرعت می‌گیرد

اقتاب

- احمدی‌نژاد: در مورد روش عزاداری لازم نیست به مردم امر و نهی کنیم
- منوچهر متکی: صادرات گاز و آب از ایران به کویت در حال نهایی‌شدن است
- اصغرزاده، رئیس جبهه آزادی و برابری‌خواهی: ثروتمندان جامعه از سیاست‌های عدالت‌خواهانه احمدی‌نژاد بیشترین بهره را بردند
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: احیای فرهنگ امری‌معروف باعث پویایی جامعه است
- رئیس کمیسیون خارجه پارلمان آلمان: کشورهای منطقه نمی‌دانند پشت برنامه هسته‌ای ایران چیست
- موسوی‌تبریزی، رئیس خانه احزاب: کسانی که می‌گویند احزاب در داخل کشور به دنبال قدرت هستند و نه خدمت، عوام‌فریبی می‌کنند

جمهوری اسلامی

- احمدی‌نژاد: پرچم عزای حسین(ع) پرچم دفاع از کرامت انسانی است
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: عاشورا موجی در اقیانوس بشریت ایجاد کرد که جاودان است
- علی شمشخانی: از هیچ کشوری نمی‌ترسیم و دیگران را هم نمی‌ترسانیم
- ایران و کویت دو سند همکاری امضا کردند
- متکی: اظهارات بوش در سفر به منطقه با هیچ منطقی انطباق نداشت
- وزیر خارجه کویت: کویت می‌داند چه کسی دوست و چه کسی دشمن است

اطلاعات

- سازمان حسابرسی آمریکا: تحریم علیه ایران بی‌نتیجه بوده است
- رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: تأثیر احیای فرهنگ امری‌معصروف و نهی‌ازمنکر ایجاد یک جامعه زنده و پویا است
- وزیر کشور: آماده برگزاری انتخابات ۲۴ اسفند در هر شرایط جوی‌ای هستیم
- وزیر خارجه: پیونده‌های ایران با کشورهای حوزه خلیج‌فارس برای آمریکا قابل درک‌نیست.